



ICPSE

2025

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

هفدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان – تفلیس (۷ آذر ماه ۱۴۰۴) - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

28 November 2025 - TBILISI GEORGIA

اثربخشی آموزش حل مساله اجتماعی بر قضاوت اخلاقی و روابط بین فردی دانش آموزان مقطع متوسطه اول شهرستان چالوس

نسترن میردار منصورپناهی^۱، سمیرا پالی^۲

^۱ گروه روانشناسی تربیتی، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران، nastaran.mirdarmansourpanahi@iau.ir

^۲ گروه حکمرانی آموزشی و سرمایه انسانی، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی، تنکابن، ایران، samira.pali@iau.ac.ir

چکیده - هدف از پژوهش حاضر اثربخشی آموزش حل مساله اجتماعی بر قضاوت اخلاقی دانش آموزان مقطع متوسطه اول شهرستان چالوس بود. پژوهش حاضر از نوع نیمه آزمایشی با پیش آزمون-پس آزمون با گروه کنترل و براساس هدف، نوعی پژوهش کاربردی می باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش آموزان مقطع متوسطه اول شهر چالوس به تعداد ۳۴۲۵ نفر در سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۳ است. حجم نمونه آماری نیز براساس طرح پژوهش به تعداد ۳۰ نفر (۱۵ نفر گروه آزمایش و ۱۵ نفر گروه گواه) بود که به روش تصادفی ساده در گروه ها گمارده شدند. جهت گردآوری داده ها از روش کتابخانه ای و میدانی در این پژوهش استفاده شده است. جهت گردآوری داده ها از پرسشنامه قضاوت اخلاقی دورگاندا - سینها و میراوارما (۱۹۹۸) ۵۰ سوالی و پروتکل آموزش حل مساله اجتماعی که گروه آزمایش بر اساس پروتکل آموزشی مهارت حل مسئله اجتماعی ۱۲ جلسه استفاده شد. پایایی پرسشنامه ها به وسیله ضریب آلفای کرونباخ تایید شد. روایی محتوایی پرسش نامه ها توسط استاد محترم مورد تایید قرار گرفت. در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده ها از روش های آمار توصیفی و آزمون فرضیه های پژوهش بعد از بررسی نرمال بودن توزیع داده ها به روش تحلیل کواریانس بوسیله نرم افزار SPSS۲۲ استفاده شده است. در فصل چهارم یافته های کلی تحقیق در قالب جداول و نمودارها مورد بررسی قرار گرفت. یافته های تحقیق نشان داد که آموزش حل مساله اجتماعی بر قضاوت اخلاقی دانش آموزان مقطع متوسطه اول تاثیر دارد.

کلید واژه- حل مساله اجتماعی، دانش آموزان، قضاوت اخلاقی.

کننده، تعیین کننده و جهت دهنده قلمداد می شود و گره اصلی به کاربرستن اصول راهنمایی تحصیلی و راهنمایی حرفه ای به مقیاس ملی را در هر کشور در دست دارد و از اینجاست که این دوره را باید دوره تنظیم و تعادل در نظام آموزشی هر کشور دانست. از یک سو، بنابر روانشناسی عملیاتی دوره راهنمایی باید دست کم با آغاز دوره عملیات انتزاعی همراه باشد [۱] و از سوی

۱- مقدمه

مرحله راهنمایی دوره ای است که از یک سو با پیچیده ترین مقطع تحول روانی انسان همراه است و از سوی دیگر، در گستره نظام های آموزشی در سراسر جهان به عنوان مقطعی غربال



ICPSE
2025

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

رود [۷]. باتوجه به آنچه که بیان شد، پژوهش حاضر در صدد آن است که به این سوال پاسخ دهد: آیا آموزش حل مساله اجتماعی بر قضاوت اخلاقی دانش آموزان مقطع متوسطه اول تاثیر دارد؟

۲- روش

پژوهش حاضر از نوع نیمه آزمایشی با پیش آزمون-پس آزمون با گروه کنترل و براساس هدف، نوعی پژوهش کاربردی می باشد که هدف از آن تعیین تأثیر آموزش حل مساله اجتماعی بر روابط بین فردی دانش آموزان مقطع متوسطه اول (به عنوان جامعه پژوهش) می باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش آموزان مقطع متوسطه اول شهر چالوس به تعداد ۳۴۲۵ نفر در سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۳ است. حجم نمونه آماری نیز براساس طرح پژوهش به تعداد ۳۰ نفر (۱۵ نفر گروه آزمایش و ۱۵ نفر گروه گواه) می باشد که به روش تصادفی ساده در گروه ها گمارده شدند.

ابزار سنجش پژوهش حاضر شامل پرسشنامه قضاوت اخلاقی می باشد:

این آزمون نخستین بار توسط دورگاند - سینه و میراوارما در سال ۱۹۷۱ ساخته شد و آخرین تجدید نظر توسط آن ها در سال ۱۹۹۸ به عمل آمد. آزمون در کشور هند برای کودکان ۶ تا ۱۱ ساله ساخته شده و بر مبنای الگوی یک آزمون هوش کلی و شامل سوالات استدلال، قوه تشخیص، بهترین پاسخ ها و غیره است، با این تفاوت که همه سوالات معنای اخلاقی دارد. آزمون مرکب از ۵۰ سوال است که کودک باید در مورد آنها تصمیم اخلاقی بگیرد، زمینه کار اخلاقی را در اظهار نظرها گروه بندی و رابطه ای بین کلمات با معنای اخلاقی برقرار کند، یک عمل خاص را ارزیابی و در برابر مشکلات اخلاقی استدلال منطقی و تعاریف مناسب ارزش های اخلاقی را انتخاب نماید. این آزمون به شش گروه تقسیم می شود. برای هر سوال فقط یک جواب صحیح وجود دارد. برای هر سوال درست، یک نمره و برای جواب غلط، صفر داده می شود. بنابراین حداکثر نمره ۵۰ و حداقل نمره صفر است. کل نمره شاخص قضاوت اخلاقی آزمودنی خواهد بود. این آزمون توسط ابوالفضل کرمی در سال ۱۳۷۹ ترجمه شده است.

دورگانداسین ها و میراوارما پاسخ های ۳۰۰ کودک به سوالات نهایی را نمره گذاری کردند و سپس اعتبار نیمه آزمون را با استفاده از فرمول اسپیرمن براون محاسبه کردند که ۰/۹۳ بود.

دیگر، دگرگونی های بنیادی ناشی از گذار از کودکی به نوجوانی در قلمرو عاطفی و اجتماعی در نظر گرفته شوند، دگرگونی هایی که بر اثر اهمیت روابط دوستانه با همسالان با هدف دستیابی به لذت ناشی از این روابط، تمایل به دریافت تأیید اجتماعی و جستجوی هویت شخصی متمایز می شوند [۲].

یکی از تغییر و تحول هایی که در دوره متوسطه اول و اوایل نوجوانی رخ می دهد، مسئله رشد اخلاق می باشد. در نظریه های اولیه مربوط به رشد اخلاقی، رفتار اخلاقی معادل با قضاوت اخلاقی در فرد استنباط می شود به عبارت دیگر، استدلال اخلاقی الزاما به رفتار اخلاقی می انجامد. برای مثال کلبه که نظریه اصلی درباره چگونگی اندیشه نوجوانان از حق و باطل را مطرح کرد عقیده داشت که اخلاق یک فرایند فکری سازمان یافته است که از خلال تصمیم گیری در مواقع تعارضی ابراز می گردد و قضاوت اخلاقی را برابر با رفتار اخلاقی واقعی، و تابع جنبه شناختی انسان می دانست [۳]. دلیل اینکه نظریه کلبه در فهم رشد اخلاقی نوجوان مهم می باشد این است که توصیفی از مفاهیم پیشرفته ای است که افراد در درک ارتباطات اجتماعی استفاده می کنند، یعنی داستان هایی که با مفاهیم جامعه، قانون و مقررات و روابط، گره خورده است [۴]. اما مهم ترین کاستی نظریه کلبه این است که نتوانسته است "قضاوت" و "رفتار" اخلاقی را متمایز کند، در حالی که در دوره های بعدی (دوره پس کلبه) اندیشمندان رشد اخلاقی (مانند کلیگان، رست و...) این باور را مورد تردید قرار دادند که عمل اخلاقی ضرورتاً از قضاوت اخلاقی نشأت گیرد و به نقش احتمالی عوامل میانجی قضاوت و رفتار اخلاقی هم پرداخته شد [۵].

قضاوت اخلاقی در چهارچوب رابطه اهمیت پیدا می کند و فرد در دوراهی های اخلاقی نیاز به حل مساله دارد و روابط بین فردی همانطور که از نامش پیداست، نمودی اجتماعی دارد. آموزش حل مساله اجتماعی یکی از مداخلاتی است که می تواند موجب بهبود روابط بین فردی و قضاوت اخلاقی شود [۶].

آموزش حل مساله اجتماعی با تأکید بر به کارگیری سبک های حل مسئله منطقی و جهت گیری مثبت نسبت به مسئله (و کاهش راهبردهای حل مسئله ناسازگارانه) با تأکید بر کاهش سبک حل مسئله تکانشی/بی دقتی و اجتنابی و جهت گیری منفی نسبت به حل مسئله می تواند به عنوان اقدامی مؤثر برای بهبود روابط بین فردی و حل تعارضات اخلاقی توسط روانشناسان، به ویژه روانشناسان تربیتی، مدرسه و سلامت به کار



ICPSE

2025

28 November 2025 - TBILISI GEORGIA

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

سبک حل مسئله منطقی/ شناسایی و آموزش راه حل های احتمالی برای مشکلات و مسائل زندگی روزمره، ارائه راه حل های متنوع با استفاده از بارش فکری برای یک مسئله، گسترش استفاده از راه حل های سازگارانه و کاهش تمایل به استفاده از راه حل های عادی.

نهم آموزش تصمیم گیری/ ارزیابی راه حل ها و پیامدهای آن، آموزش زنجیره ی رفتاری و انتخاب بهترین راه حل با روش، تحلیل هزینه (فایده یا اگر... آن وقت...).

دهم آموزش اجرا و تأیید راه حل (مرحله سوم مهارت حل مسئله اجتماعی): انجام راه حل، کنترل نتایج آن و قضاوت درباره تأثیرات آن، اشکال یابی در صورت عدم موفقیت آمیز بودن راه حل.

یازدهم تمرین مراحل حل مسئله / ارائه کاربرگ موقعیت های مسئله آفرین، تشخیص و تعریف صورت مسئله، ارائه راه حل، بررسی و تحلیل هزینه فایده و انتخاب مناسب ترین راه و ارائه بازخورد.

دوازدهم مرور تکنیک ها و مراحل آموزش داده شده در جلسات قبل و ارزیابی اجرای مراحل با روش ایفای نقش، ارزیابی توسط سایر گروه ها.

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده ها با روش های آمار توصیفی (میانگین، واریانس، انحراف معیار، بیشینه، کمینه، چولگی، کشیدگی) و آزمون فرضیه های پژوهش بعد از بررسی نرمال بودن توزیع داده ها به روش تحلیل کواریانس بوسیله نرم افزار SPSS ۲۲ انجام شد.

۳- یافته ها

اطلاعات جمعیت شناختی نشان داد در گروه آزمایش ۱۵ نفر حضور داشتند که از نظر جنسیت شامل ۱۰ دختر و ۵ پسر بودند. از نظر سنی، ۵ نفر ۱۳ ساله، ۷ نفر ۱۴ ساله و ۳ نفر ۱۵ ساله بودند. همچنین از نظر پایه ی تحصیلی، ۵ نفر در پایه ی هفتم، ۶ نفر در پایه ی هشتم و ۴ نفر در پایه ی نهم قرار داشتند. در گروه کنترل نیز ۱۵ نفر شرکت داشتند که از نظر جنسیت شامل ۹ دختر و ۶ پسر بودند. توزیع سنی این گروه نشان داد که ۹ نفر ۱۳ ساله، ۴ نفر ۱۴ ساله و ۲ نفر ۱۵ ساله بودند. از نظر پایه ی تحصیلی نیز ۷ نفر در پایه ی هفتم، ۵ نفر در پایه ی هشتم و ۳ نفر در پایه ی نهم قرار داشتند.

در پژوهش زادشیر و همکاران (۱۳۸۸) اعتبار درونی قضاوت اخلاقی، به روش همسانی درونی از طریق ضریب آلفای کرونباخ ۰/۵۵ به دست آمد.

پروتکل آموزش حل مساله اجتماعی: گروه آزمایش بر اساس پروتکل آموزشی مهارت حل مسئله اجتماعی ۱۲ جلسه تحت آموزش قرار خواهند گرفت درحالی که گروه گواه هیچ گونه آموزشی دریافت نخواهد کرد. کلیه جلسات دوره آموزشی بر اساس شش مرحله الگوی دزوریلا و گلد فراید (۱۹۷۱) که شامل مراحل: جهت گیری کلی، تعریف و صورت بندی مسئله، تولید راه حل های بدیل، تصمیم گیری، اجرای راه حل و بازبینی است، طراحی و اجرا گردید. همچنین از کتاب مهارت های حل مسئله اجتماعی در کودکان و سایر کتب مرتبط در این زمینه برای تدوین برنامه آموزشی استفاده شد. برنامه آموزش حل مسئله اجتماعی در ۱۲ جلسه ۵۰ دقیقه ای به شرح زیر صورت گرفت:

اول معارفه و ایجاد ارتباط با اعضای گروه/ معارفه و آشنایی با اهداف برنامه، گروه بندی و ارائه قوانین گروه توافق با شرکت کنندگان جهت شرکت در جلسات.

دوم معرفی مسئله و حل مسئله/ طبیعی بودن تجربه مسئله در زندگی: آشنایی با مسائل و مشکلات روزمره و پذیرش طبیعی بودن تجربه مشکلات در زندگی، اعتقاد به مؤثر بودن چارچوب حل مسئله در برخورد با مشکلات.

سوم جهت گیری مثبت نسبت به مسئله/ آشنایی با افکار خودآیند، توانایی به حداقل رساندن واکنش های اجتنابی یا تکانشی.

چهارم شناخت مسائل و مشکلات روزمره زندگی/ تقویت خوش بینی، ایجاد تفکر سازنده.

پنجم باورهای خودکارآمدی/ تقویت باورهای خودکارآمدی مثبت در جهت یابی به مسئله

ششم تغییر نگرش نسبت به مسئله/ افزایش توانمندی فرد در جهت کاهش واکنش های تکانشی و اجتنابی، تغییر نگرش نسبت به مسئله.

هفتم آموزش تعریف مسئله و بیان دقیق آن (مرحله اول سبک حل مسئله منطقی)/ گردآوری اطلاعات نسبت به مسئله، تعریف مشکل یا مسئله به طور دقیق و عینی، تفکیک واقعیت ها از مفروضه ها، تعیین ویژگی هایی که یک موقعیت را به موقعیت مسئله دار تبدیل می کند

هشتم آموزش ایجاد راه حل های جانشین (مرحله دوم



ICPSE

2025

28 November 2025 - TBILISI GEORGIA

http://icpse.ir
info@icpse.ir

نمی-شود. همچنین با توجه به مقادیر اندازه اثر مشخص می شود که ۵۵/۲ درصد از تفاوت نمرات، متاثر از مداخله آموزش حل مسئله اجتماعی است. با توجه به مقادیر میانگین نمرات مشخص می شود که آموزش حل مسئله اجتماعی باعث بهبود در نمرات قضاوت اخلاقی شده است.

۴- نتیجه گیری

یافته های پژوهش نشان می دهد که آموزش حل مسئله اجتماعی تأثیر معناداری بر قضاوت اخلاقی دانش آموزان مقطع متوسطه اول دارد. این تأثیر بیانگر آن است که مداخلات آموزشی مبتنی بر مهارت های اجتماعی می توانند توانایی دانش آموزان را در تحلیل موقعیت های اخلاقی بهبود بخشند. آموزش حل مسئله اجتماعی موجب ارتقاء فرآیندهای شناختی و هیجانی مرتبط با قضاوت اخلاقی شده و توان تفکر انتقادی، همدلی و تصمیم گیری اخلاقی را در دانش آموزان افزایش می دهد. نتایج آماری نیز مؤید این تأثیر است؛ به گونه ای که تفاوت معناداری میان گروه آزمایش و کنترل مشاهده شد و اندازه اثر قابل توجهی به ثبت رسید. این امر نشان می دهد که آموزش یادشده عامل مؤثری در تغییر سطح قضاوت اخلاقی دانش آموزان است. آموزش حل مسئله اجتماعی با فراهم سازی چارچوب هایی برای درک موقعیت های اجتماعی و انتخاب های اخلاقی، موجب ارتقاء آگاهی و مسئولیت پذیری اخلاقی می شود. این نتایج با نظریه های یادگیری اجتماعی و رشد اخلاقی هم راستا بوده و اهمیت تربیت مهارت محور در نظام آموزشی را برجسته می سازد. در مجموع، می توان گفت این نوع آموزش ها ظرفیت بالایی برای توسعه اخلاقی نوجوانان دارند. این نتایج با یافته های حبیبی کلیبر و همکاران (۱۳۹۸)، کاکابرابی و صیدی (۱۴۰۰)، پورقربان گورابی و همکاران (۱۴۰۰)، اصغری و نمازی (۱۴۰۳)، راتکلیف و همکاران (۲۰۱۴)، جین و همکاران (۲۰۱۹)، لوپز و همکاران (۲۰۲۳)، لی و همکاران (۲۰۲۴) مطابقت داشته و پشتیبانی می شود.

بر اساس یافته ها و چارچوب نظری پژوهش حاضر، مجموعه ای از پیشنهادها و محدودیت ها قابل طرح است. از منظر کاربردی، پیشنهاد می شود برگزاری مسابقات داستان نویسی یا نمایشنامه نویسی با محوریت موقعیت های اخلاقی و مسائل اجتماعی در مدارس اجرا شود تا دانش آموزان در قالب روایت به

در پیش آزمون گروه آزمایش میانگین نمرات حساسیت بین فردی، دوسوگرایی بین فردی، پرخاشگری، نیاز به تأیید اجتماعی و عدم جامعه پذیری به ترتیب ۲۰/۳۳، ۱۷/۶۰، ۱۲/۴۰، ۱۵/۴۰ و ۱۷/۸۰ و در پس آزمون میانگین نمرات به ترتیب ۱۶/۵۳، ۱۴/۶۷، ۹/۹۳، ۱۲/۴۰ و ۱۴/۰۷ است. در پیش آزمون گروه کنترل میانگین نمرات حساسیت بین فردی، دوسوگرایی بین فردی، پرخاشگری، نیاز به تأیید اجتماعی و عدم جامعه پذیری به ترتیب ۱۹/۹۳، ۱۷/۵۳، ۱۱/۹۳، ۱۵/۹۳ و ۱۸/۱۳ و در پس آزمون میانگین نمرات به ترتیب ۱۶/۶۰، ۱۱/۸۷، ۱۷/۰۷ و ۱۸/۰۷ است. همچنین میانگین نمرات دشواری در روابط بین فردی در پیش آزمون گروه آزمایش برابر با ۸۳/۵۳ و در پس آزمون برابر با ۶۷/۶۰ است. و میانگین نمرات دشواری در روابط بین فردی در پیش آزمون گروه کنترل برابر با ۸۳/۴۷ و در پس آزمون برابر با ۸۴/۰۷ می باشد.

بر اساس آزمون باکس برای متغیرها معنی دار نیست و شرط همگنی ماتریس های واریانس/کوواریانس به درستی رعایت شده است ($BOX=20/629, F=1/107, p=0/344$). همچنین نتایج نشان داد آماره F آزمون لوین جهت بررسی همگنی واریانس های خطای متغیرها در گروه های پژوهش معنادار نمی باشد. این یافته ها نشان می دهد که واریانس خطاهای این متغیرها در گروه ها همگن می باشد. سطح معناداری برای اثرات تعاملی آموزش حل مسئله اجتماعی و متغیرهای تحقیق در تمامی موارد بزرگتر از مقدار ۰/۵ است. بنابراین پیش فرضی همگنی شیب های رگرسیونی رعایت شده است.

جدول ۱. نتایج آزمون تحلیل واریانس تک متغیری جهت

مقایسه قضاوت اخلاقی بین دو گروه

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	مقدار آماره F	سطح معناداری	اندازه اثر
مقدار ثابت	۳۱/۵۸۸	۱	۳۱/۵۸۸	۱۱/۸۲۴	۰/۰۰۲	۰/۳۰۵
پیش آزمون	۳/۸۶۸	۱	۳/۸۶۸	۱/۴۴۸	۰/۲۳۹	۰/۰۵۱
مداخله	۸۹/۰۱۴	۱	۸۹/۰۱۴	۳۳/۳۱۹	۰/۰۰۱	۰/۵۵۲
خطا	۷۲/۱۳۲	۲۷	۲/۶۷۲			
کل	۳۳۰۳۱	۳۰				

همانطور که از نتایج جدول ۱ مشخص است، سطح معناداری آزمون برای مداخله ($P<0/05$) معنادار است. بنابراین فرض یکسان بودن نمرات بین دو گروه کنترل و مداخله پذیرفته

است، هرچند در این پژوهش ثابت فرض شده است. همچنین سبک های تربیتی والدین می توانند نقش تقویت کننده یا بازدارنده در درونی سازی آموزش های اخلاقی داشته باشند و در پژوهش های آتی بررسی تعامل میان سبک های فرزندپروری (مقتدرانه، سهل گیر و مستبدانه) با آموزش حل مسئله اجتماعی می تواند تصویری جامع تر از عوامل خانوادگی مؤثر بر قضاوت اخلاقی ارائه دهد. در عین حال، محدودیت هایی چون تمرکز بر نمونه ای محدود از دانش آموزان و ثابت فرض کردن متغیرهای میانجی همچون هوش هیجانی، تعمیم پذیری نتایج را کاهش می دهد و ضرورت بررسی این عوامل در تحقیقات آینده را آشکار می سازد.

بررسی پیامد تصمیم ها و ارائه راه حل های اخلاقی مدار پرداخته و توان تحلیل اخلاقی آنان تقویت گردد. همچنین استفاده از محتوای چندرسانه ای مانند فیلم های کوتاه، انیمیشن ها یا کلیپ های موقعیت محور در فرآیند آموزش، ابزار مؤثری برای برانگیختن تفکر اخلاقی است و می تواند با هدایت پرسش های معلمان، قضاوت اخلاقی و تفکر نقاد دانش آموزان را پرورش دهد. علاوه بر این، مشارکت دانش آموزان در پروژه های خدمات اجتماعی مدرسه محور نظیر فعالیت های زیست محیطی، خیریه ای یا کمک به همکلاسی ها، بستری عملی برای تجربه و درونی سازی تصمیم گیری اخلاقی فراهم می آورد و موجب رشد وجدان اخلاقی و مسئولیت پذیری اجتماعی می شود. از منظر نظری، توجه به هوش هیجانی به عنوان عامل واسطه ای در پیوند میان آموزش حل مسئله اجتماعی و بهبود قضاوت اخلاقی ضروری

مراجع

[5] Decety, J. & Cowell, J (2014). Friends or foes: Is empathy necessary for moral behavior?. *Perspective on Psychological Science*, 9(5), 525-537.

[۶] حبیبی کلپیر، رامین؛ فرید، ابوالفضل؛ مصرآبادی، جواد؛ بهادری خسروشاهی، جعفر (۱۳۹۸). اثربخشی آموزش مهارت های اجتماعی و هیجانی بر بهبود روابط بین فردی دانش آموزان. راهبردهای آموزش در علوم پزشکی، ۱۱۲(۱): ۸-۱۵.

[۷] پورقربان گورابی، فائزه؛ باباخانی، نرگس و لطفی کاشانی، فرح (۱۴۰۰). تاثیر آموزش مهارت حل مسئله اجتماعی بر عملکرد تحصیلی و مشکلات عاطفی رفتاری درونی سازی شده و برونی سازی شده دانش آموزان ابتدایی. فصلنامه روان شناسی تربیتی، ۱۷(۵۹)، ۲۱۳-۲۵۱.

[۱] منصور، محمود (۱۴۰۱). روانشناسی رشد: تحول روانی از تولد تا پیری. تهران: انتشارات سمت.

[۲] شهرآرای، مهرناز (۱۳۹۴). روان شناسی رشد نوجوان (دیدگاه تحولی)، تهران: انتشارات علم.

[۳] رضایی، زینب، حجازی، الهه، و کارشکی، حسین. (۱۳۹۹). نقش تعدیل کنندگی همدلی در رابطه بین قضاوت اخلاقی و رفتار اخلاقی در دانش آموزان. *مجله روانشناسی*، ۲۴(۲ (پیاپی ۹۴))، ۱۶۷-۱۸۳.

[۴] سانتراک، جان دبلیو. (۱۴۰۴). کتاب روان شناسی رشد و تحول کودک و نوجوان. ترجمه مهرداد فیروزبخت، نشر ارسباران.